

دوران گذار روابط بین الملل در جهان پسا غربی

دکتر محمد جواد ظریف
دکتر سید محمد کاظم سجادی پور
دکتر عبدالاله مولایی

مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۵

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: ظریف، محمدجواد، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور: دوران گذار روابط بین الملل در جهان پساغربی / محمدجواد ظریف، سیدمحمدکاظم سجادیپور، عبداله مولایی،
[برای] مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی.
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.
شابک: ۳-۷۷۸-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸
بها: ۲۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا بازاندیشی.
یادداشت: فهرست منابع.
یادداشت: فهرست اعلام.
موضوع: روابط بین المللی - International relations
موضوع: حقوق بین الملل - International law
شناسه افزوده: سجادیپور، سیدمحمدکاظم، ۱۳۳۴-
شناسه افزوده: مولایی، عبداله، ۱۳۴۸-
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی.
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره نشر.
رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۵ د ۷ ص ۱۳۱
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۲۵۲۰۶

دوران گذار روابط بین الملل در جهان پساغربی

تألیف: دکتر محمدجواد ظریف، دکتر سیدمحمدکاظم سجادیپور، دکتر عبداله مولایی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

هماهنگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: مریم حجاری

حروفچین: سحر حسینی صنعتی

صفحه آرایی: اکرم خاکساریان

صفحه آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن فاکس: ۲۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۷
پیش‌راه.....	۱۱
فصل اول: ماه - نظام بین‌الملل مدرن.....	۲۳
گفتار اول: منا و نیست.....	۲۴
گفتار دوم: جغرافیه تاریخی.....	۲۶
گفتار سوم: پیدایش.....	۳۲
گفتار چهارم: چرخش‌های تاریخی.....	۳۵
الف- نظام بین‌الملل وستفالیایی (۱۶۴۸-۱۹۱۹).....	۳۶
ب- نظام بین‌الملل چندقطبی (۱۷۸۹-۱۹۴۵).....	۳۷
ج- نظام بین‌الملل دوقطبی (۱۹۴۵-۱۹۸۹).....	۴۲
گفتار پنجم: ماهیت نظام بین‌الملل.....	۴۳
سخن پایانی.....	۴۸
فصل دوم: زوال نظام دوقطبی و آغاز دوران گذار.....	۵۱
گفتار اول: بازشناسی میراث جنگ سرد.....	۵۲
گفتار دوم: پایان جنگ سرد و آغاز دوران گذار.....	۵۷
گفتار سوم: جهان در دوره پساجنگ سرد.....	۵۹
گفتار چهارم: جهانی شدن و چشم‌انداز آن.....	۶۳
الف- جهانی شدن سیاست بین‌الملل.....	۶۸
ب- جهانی شدن اقتصاد بین‌الملل.....	۷۱

ج- جهانی شدن حقوق بین‌الملل.....	۷۳
د- جهانی شدن امنیت بین‌الملل.....	۷۵
سخن پایانی.....	۷۷
فصل سوم: تحول مفهومی در ادبیات نظام بین‌الملل.....	۸۱
گفتار اول: تحول مفهومی در دوران گذار.....	۸۲
گفتار دوم: دولت - ملت.....	۸۵
گفتار سوم: ماکمیت.....	۹۱
گفتار چهارم: اقتدار برزّی.....	۹۵
گفتار پنجم: قدرت.....	۹۹
الف- قدرت نظامی.....	۹۹
ب- قدرت اقتصادی.....	۱۰۱
ج - تحول مفهوم قدرت.....	۱۰۲
گفتار ششم: منافع ملی.....	۱۰۵
گفتار هفتم: امنیت.....	۱۰۸
سخن پایانی.....	۱۱۰
فصل چهارم: چرخش نظری در روابط بین‌الملل.....	۱۱۳
گفتار اول: نسبت نظریه و واقعیت در نظام بین‌الملل.....	۱۱۴
گفتار دوم: سرمشق‌های نظری در روابط بین‌الملل.....	۱۱۶
گفتار سوم: واقع‌گرایی و نظام بین‌الملل.....	۱۲۰
گفتار چهارم: لیبرالیسم و نظام بین‌الملل.....	۱۲۳
گفتار پنجم: چرخش نظری در روابط بین‌الملل.....	۱۲۷
گفتار ششم: افق‌های نظری.....	۱۳۰
سخن پایانی.....	۱۳۳

فصل پنجم: چرخش معنایی در روابط بین الملل	۱۳۵
گفتار اول: زمانه و زمینه‌ها	۱۳۶
گفتار دوم: قدرت‌نمایی دین	۱۳۸
گفتار سوم: طرح مجدد نسبت اخلاق با سیاست بین‌الملل	۱۴۲
گفتار چهارم: نقش آفرینی فرهنگ	۱۴۴
گفتار پنجم: هویت و سیاست بین‌الملل هویت محور	۱۴۷
گفتار ششم: پیرخش هنجاری در اندیشه بین‌الملل	۱۴۹
گفتار هفتم: انباشت هنجاری در دوران گذار	۱۵۱
سخن پایانی	۱۵۴
فصل ششم: جهان، غرب و نظام بین‌الملل دوران گذار	۱۵۵
گفتار اول: دو روایت رقیب از نظم جهانی	۱۵۶
گفتار دوم: روایت نووستفالیایی	۱۵۸
گفتار سوم: آغاز و انجام مقطع تک‌قطب	۱۶۲
گفتار چهارم: روایت پس‌اوستفالیایی	۱۶۸
گفتار پنجم: رقابت‌های هنجاری اروپا و آمریکا	۱۷۴
سخن پایانی	۱۷۹
فصل هفتم: جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل	۱۸۳
گفتار اول: تحول در جغرافیای قدرت	۱۸۴
گفتار دوم: اهمیت‌یابی مجدد "منطقه" در جغرافیای قدرت	۱۸۵
گفتار سوم: مرکزیت‌زدایی از ژئوپولیتیک آتلانتیک محور	۱۸۸
گفتار چهارم: اهمیت‌یابی ژئوپولیتیک پاسیفیک و جنوب	۱۹۰
گفتار پنجم: ظهور و افول قدرت‌های بزرگ	۱۹۴
گفتار ششم: مبانی نظری جابه‌جایی قدرت	۱۹۵
گفتار هفتم: مختصات جابه‌جایی قدرت در دوره گذار	۱۹۹

الف- کاهش نسبی قدرت کنشگران سنتی	۱۹۹
ب- افزایش قدرت کنشگران نوظهور	۲۰۳
گفتار هشتم: نسبت قدرت‌های سنتی و قدرت‌های نوظهور	۲۰۶
گفتار نهم: آثار چرخش قدرت بر نظام بین‌الملل	۲۱۳
سخن پایانی	۲۲۰

فصل هشتم: حکمرانی جهانی و نهادهای بین‌المللی

گفتار اول: حکمرانی جهانی	۲۲۴
گفتار دوم: جهانی شدن چالش‌ها و فرصت‌ها	۲۳۰
گفتار سوم: تحول نقش نهادهای چندجانبه	۲۳۴
گفتار چهارم: نقش نهادهای بین‌المللی در سیاست جهانی	۲۳۸
گفتار پنجم: سازمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه نوظهور	۲۴۳
الف- سازمان همکاری شانگهای	۲۴۳
ب- دی‌هشت	۲۴۵
ج- گروه هفت	۲۴۶
د- گروه بیست	۲۴۷
هـ - بریکس	۲۵۰
سخن پایانی	۲۵۵

فصل نهم: روایت‌های نظم جهانی در دوران گذار

گفتار اول: روایت "نظام بین‌الملل چندقطبی"	۲۵۹
گفتار دوم: روایت "جهان بدون قطب"	۲۶۲
گفتار سوم: روایت "جهان چندمرکزی"	۲۶۴
گفتار چهارم: روایت "جهان بدون غرب"	۲۷۰
گفتار پنجم: نقد ماهیت هنجاری روایت‌های نظم جهانی	۲۷۲
سخن پایانی	۲۷۶

فصل دهم: روندهای کلان و چشم‌انداز دوران گذار	۲۷۹
گفتار اول: تداوم مفهوم‌سازی	۲۸۰
گفتار دوم: ماهیت	۲۸۵
گفتار سوم: تکرار و تنوع منابع قدرت	۲۸۸
گفتار چهارم: ظهور و تنوع کنشگران	۲۹۳
گفتار پنجم: چگونگی رفتارهای بین‌المللی	۳۰۲
گفتار ششم: منطق تغییر و تداوم	۳۰۶
گفتار هفتم: چرخش پس‌اگرایی در روابط بین‌الملل	۳۰۹
گفتار هشتم: فرصت‌ها و مخاطرات	۳۱۳
سخن پایانی	۳۱۶
منابع و مأخذ	۳۲۵
فهرست اعلام	۳۴۳

پیش گفتار

به نام آنکه هستی نام از او یافت فلک جنبش زمین آرام از او یافت

در سال‌های مانی دهه ۸۰ شمسی که بحران‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و چالش‌های جدی در صحنه بین‌المللی تحولات جهانی از یک سو، و ناکامی‌های پی‌درپی قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده در سال‌دهی به نیم آینده مورد نظر خود از سوی دیگر، توجه اندیشمندان و کنشگران روابط بین‌الملل را به ضرورت تبیین و ترسیم مختصات جهان در حال گذار و نظم پیش روی بین‌المللی جلب کرده بود. رویکردی روح‌روشنی به شورای راهبردی روابط خارجی پیشنهاد شد که با عنایت به نقش محوری نظریه در ساختن واقعیات آینده، جمع محدودی از استادان و اندیشمندان ایرانی حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل و علوم سیاسی و کارگزاران برجسته روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی این موضوع از نگاه ایرانی و با توجه به دغدغه‌ها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران به طور خاص و جهان به طور عام پرداخته و حاصل نظرات آنها از طریق شورا به استحضار مسئولان نظام رسید. پس از برگزاری ۳۲ نشست هم‌اندیشی، جمع‌بندی نظرات همکاران دانشگاهی و اجرایی به شکل گزاره‌هایی در سال ۱۳۸۹ به ریاست و اعضای شورای راهبردی روابط خارجی ارائه شد.

اهمیت و ابعاد گسترده موضوع و آثار چشمگیر نوع نگرش به تحولات جهان در حال گذار بر سیاست خارجی، اینجانب و آقای دکتر سیدمحمد کاظم سجادی‌پور را بر آن داشت که با استفاده از فرصت بی‌نظیر فراغت چند ساله اینجانب از امور اجرایی و همسایگی در راهروی استادان دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ابعاد مختلف جهان در حال گذار و

گزاره‌های حاصل از هم‌اندیشی گسترده قبلی را در تبادُل نظرها و گفتگوهای مستمر دوجانبه به مباحثه گذاشته و در کارگاه‌های آموزشی محدود در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه برای مدیران و کارشناسان ارائه کنیم. این بسته‌های نه‌گانه آموزشی اهمیت دوران گذار در روابط بین‌الملل، طولانی بودن دوران گذار، توزیع قدرت و تحول نظم، ایدئولوژی رقیب، تلاش کنشگران برای جهت‌دهی، تکثر و تنوع کنشگران، ضرورت ائتلاف، نقش و جایگاه مناطق و نقش اقتصاد را شامل می‌اندند که مورد توجه مدیران و کارشناسان وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌ها قرار گرفت و پیشنهاد تدوین آن در کتابی برای دانش پژوهان و عموم جامعه مطرح شد.

بر این اساس از سال ۱۳۹۰ با مشارکت همکار فرهیخته آقای دکتر عباداله مولایی به تدوین مباحث به شرح مندرج و منسجم در قالب کتابی پرداختیم که هم قابل استفاده برای جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل است و هم بتواند محیط در حال تغییر و تحول پیرامونی و جهانی را برای بخش گسترده‌تری از جامعه تبیین کند که با علاقه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را پیگیری می‌کنند. بازگشت به کتاب به مسئولیت اجرایی در سال ۱۳۹۲ روند نگارش کتاب را بسیار کند کرد، ولی با همت آقای دکتر عباداله مولایی، مباحث جلسات سه جانبه سال ۱۳۹۱ و سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ و چند جلسه پراکنده در دوران مسئولیت در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴، تدوین و چندین بار ویرایش و بازنگری شد تا به این کتاب انجامید. لذا کتاب حاضر نتیجه جلسات هم‌اندیشی، مباحثات و فکر جمعی، تحقیق و نگارش ایشان و بازنگری و جرح و تعدیل و اضافات آقای دکتر سیدمحمد کاظم سجادیپور است. باب است که آخرین مرحله بازنگری و اولین نگارش این مقدمه در هواپیما و در مسیر سفر طولانی به ونزوئلا برای شرکت در اجلاس سران جنبش عدم تعهد به انجام رسید.

لازم می‌دانم از پیگیری و سعه صدر و قبول زحمت تحقیق و تدوین توسط ایشان، دیدگاه عالمانه و دقت نظر آقای دکتر سید محمد کاظم سجادیپور و همکاری و همفکری همکاران دانشگاهی و اجرایی که از آغاز این روند در ایده‌پردازی و مفهوم‌سازی به ما کمک رسانده‌اند

سیاسگزاری کنم. امیدوارم کتاب حاضر زمینه و بهانه‌ای برای تفکر و تتبع بیشتر در این موضوع حساس از سوی اساتید کشور فراهم آورد و نگارندگان را نیز از نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود همچون گذشته بهره‌مند فرمایند.

در پایان لازم است تأکید کنم که تحقیق حاضر یک پژوهش علمی و تجربی جمعی و بیانگر نتایج مباحثات و مطالعات دانشگاهی و تجربیات پیشکسوتان سیاست خارجی است و در ظرفیت دانشگاهی نگارندگان تهیه شده و صرفاً تلاشی ابتدایی برای بازکردن بحث و هم‌اندیشی در جامعه علمی کشور به شمار می‌آید. لذا بدیهی است که هیچ بخشی از آن به هیچ روی به عنوان موضوع سیاسی نگارندگان و دیدگاه رسمی وزارت امور خارجه محسوب نمی‌شود.

محمد جواد ظریف

۳۰ شهریور ۱۳۹۵

عید سعید غدیر ۱۴۳۷

پیش درآمد

با پایان جنگ سرد یک دوره از تاریخ سیاست جهانی پایان یافته و دوره جدیدی در روابط بین الملل آغاز شد. اگرچه عصر جدید هنوز صورت‌بندی مفهومی روشنی ندارد، اما برخی مشخصه‌ها و ویژگی‌های این دوران شناسایی شده است. این دوره تنها پاره‌ای از تغییرات شکلی در آرایش نظام بین الملل و قطب‌بندی‌های قدرت را در پی نداشت. جهان در سده بیست و یکم تفاوت‌ها و تمایزهای درازمدت با دوران‌های گذشته پیدا کرده است. فشردگی زمان و مکان، پیوستگی متقابل و گره خوردن سرنوشت سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و حتی زیست محیطی همه مناطق جغرافیایی به یکدیگر، موجب شده است تا هیچ واحد، کشور یا ملتی نتواند از آثار و پیامدهای تحولات محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برکنار مانده و نسبت به بهره‌برداری از فرصت‌ها و یارو یارویی با چالش‌ها و تهدیدهای موجود، بی‌اعتنا شود. فرایند جهانی شدن شتابان و پویای سیاست، اقتصاد، امنیت و فرهنگ، همه واحدهای سیاسی دنیا را بیش از پیش به اهمیت توجه به تحولات و روندهای سیاست جهانی و نظام بین‌الملل ناگزیر ساخته است.

نظام بین‌الملل محیط عمومی و چارچوب رسمی فعالیت هم‌نشینان را در عرصه جهانی تشکیل می‌دهد. پایان جنگ سرد، برجسته شدن دیوار برلین (۱۹۸۹) و فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) به تغییر شکلی و تحول محتوایی گسترده و دامنه‌داری در ساختار مادی و منظومه هنجاری نظام بین‌الملل در همه ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی آن منجر شد. این تحول موضوع نظام بین‌الملل و افق‌های آینده آن را به یکی از مباحث مهم مناظره‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. تردیدی نیست که حاکمیت هر نوع نظامی بر نظام بین‌الملل آثار تعیین‌کننده و پیامدهای سرنوشت‌سازی بر زیست بین‌الملل همه کشورهای جهان بر جای

خواهد نهاد و به همین دلیل تبدیل این بحث به یکی از موضوعات محوری ادبیات امروز روابط بین‌الملل چندان شگفت‌انگیز نمی‌نماید.

آثار و پیامدهای این تحول سبب شده است تا ناظران و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل به بازاندیشی صورت‌بندی نظم جهانی پرداخته و واکاوی شکل و محتوای نظم در حال تکوین را در کانون تأملات نظری قرار دهند. در عین حال درباره این واقعیت که سیاست جهانی و نظام بین‌الملل در حال تغییر و تحول ژرف و دامنه‌داری است نوعی اجماع نزد همه تحلیل‌گران و پژوهشگران به چشم می‌خورد. پرسش‌ها و ابهام‌ها تنها به نوع تغییر، ماهیت تحول و سمت و سوی آینده باز می‌گردد. تکرر و رواج پژوهش‌ها، مطالعات و پیش‌بینی‌های مبتنی بر روندشناسی و آینده‌پژوهی درباره "نظم جهانی" و "جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل" در سال‌های اخیر هم از این واقعیت حکایت دارد.

به نظر می‌رسد آینده نظام بین‌الملل نه حاصل بازآفرینی و تکرار تجربیات و الگوهای گذشته بلکه بازتاب واقعیت‌های نوپدید خواهد بود. جهانی شدن، پیوستگی و وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی، چندمرکزی شدن نظم اقتصادی، پیدایش قدرت‌های نوظهور، تمهید مقدمات جابه‌جایی قدرت، مرکزیت‌زدایی از جغرافیای قدرت در جهان غرب و اقیانوس اطلس و ورود جهان غیرغربی به مدار قدرت در نظام بین‌الملل، تکوین هادهای بین‌المللی و منطقه‌ای جدید، تحول مبانی و مفاهیم حقوق بین‌الملل، نقش‌آفرینی رولف‌های دینی، فرهنگی و هویتی و رواج و تثبیت بخش قابل توجهی از هنجارهای نوین، تعدد، تکرر و تنوع کنشگران و نیروهای اثرگذار در معادلات بین‌المللی و مانند آن زمینه را برای بازتعریف بسیاری از مفاهیم و چارچوب‌های نظری پیشین و بازاندیشی فرجام روندهای جاری و چشم‌انداز دوران پس از پایان نظام بین‌الملل دوقطبی فراهم آورده است.

یکی از ابهامات مهم مناظره‌های جاری را پرسش از ماهیت و هویت این دوران تشکیل می‌دهد. هریک از ناظران تاریخ معاصر در پاسخ به این پرسش هویتی، این دوران را با تعبیری

متمایز نام نهاده‌اند، اما هیچ یک از تعبیر موجود هنوز نتوانسته است روشنایی کافی بر پیچیدگی‌های روح زمانه افکنده و به ابهام زدایی از این جهان ناآشنا بپردازد. بی‌دلیل نیست که ناظران و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل در توصیف مختصات دوران گذار جاری از مفاهیم، آموزه‌ها، الگوها، گزاره‌ها و مفروضات کهن بهره گرفته و به تعمیم آنها به وضعیت جاری پرداخته‌اند. تعمیم و کاربست استعاره‌ها و دستگاه مفهومی سنتی و مانوس سیاست جهانی شاید طبیعتاً ترین و ساده‌ترین راهکار تحلیل مختصات این دوران باشد. با این همه، واقعیت این است که بسیاری از واژگان، مفاهیم، اصطلاحات و تعبیر تاریخ ادبیات سیاست جهانی به ویژه دوران جنگ سرد کارایی لازم برای فهم، شناخت و تحلیل ویژگی‌های این دوران برخوردار نیستند و تعمیم‌مهرن توان توصیفی، تفسیری و روشنگری آنها سبب می‌شود تا وضع جاری و افق آینده عمدتاً در ربو گذشته ارزیابی شود.

دامنه، عمق و شتاب تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگ جهانی در دهه‌های اخیر موجب شده است تا برخی از مفاهیم آشنا یا موزون را از خود راز دست دهند و یا به حاشیه دستگاه مفهومی سنتی روابط بین‌الملل رانده شوند. از این رو، نظر می‌رسد دیگر نمی‌توان از دریچه و زاویه دید برخی مفاهیم و اصطلاحات متداول و رایج که شرایط پیشین نظام بین‌الملل سازگار بودند، جهان امروز را به درستی شناخت. این مفاهیم و تعبیر نه خود نیز در حال تحول و دگرگونی هستند نه تنها به فهم و تحلیل تام و تمام وضع موجود مانده‌اند نه رسانند بلکه با احیای ذهنیت و فضای گذشته، تصویری واژگونه و غیرواقعی از روندهای جاری و یا پیش‌رو ارائه می‌دهند. بنابراین، یکی از لوازم فهم جهان امروز، بازتعریف مفاهیم پیشین در پرتو تحولات و واقعیت‌های نوظهور و ارائه مفاهیم جدید و شکل‌دهی به دستگاه مفهومی متناسب با تحولات پیش گفته است.

"دوران گذار" از جمله تعبیری است که در ادبیات روابط بین‌الملل برای توصیف این زمانه کاربرد وسیعی یافته است. رواج تعبیر "دوره پساجنگ سرد" در توصیف "دوران گذار"

خود‌گویای این معنا و مضمون بوده و بر نوعی "دوره انتقالی ناتمام" دلالت می‌ورزد. اگرچه تعبیر "دوران گذار" به توصیف وضعیت متغیر و سیال نظام بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد معطوف می‌باشد، اما در عین حال، این مفهوم نیز مفهومی آشنا در تاریخ نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. قدمت کاربرد و پیشینه تاریخی این مفهوم سبب شده است تا مفهوم "دوران گذار" هم نتواند از ذهنیت‌های پیشین فاصله گرفته و تحولات نوظهور را به نحوی کامل نمایندگی، توصیف یا تبیین کند. به بیان دیگر، این مفهوم هم لاجرم به بازتاب تجربیات نظام بین‌الملل و است‌های پیشین آن منجر می‌شود.

پژوهش حاضر با ه‌خود آگاهی از این محدودیت‌ها و کاستی‌ها به ناگزیر از این تعبیر برای مطالعه تحولات نظام بین‌الملل دوران پس از جنگ سرد بهره گرفته است. نخست به این دلیل که مفهوم دوران گذار رایج بین در عین حال در قیاس با تعابیر دیگر، بی‌طرفانه‌ترین مفهوم در شناخت وضع موجود نظام بین‌الملل به شمار می‌آید و دوم این که تحول نظام بین‌الملل هنوز به فرجام قطعی نرسیده و کماکان در وضعیت انتقال قرار دارد. از این حیث مفهوم "دوران گذار" روشن‌تر از سایر مفاهیم و تعابیر سرشت پویای روندها و تحولات جاری را نمایان می‌سازد.

بر مبنای نتایج تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهشی اثر حاضر ردیدی نیست که نظم بین‌الملل گذشته به پایان رسیده و روندها و تحولات نظام بین‌الملل پس‌اوقطبی و دوران پساجنگ سرد تغییری را در آرایش و ماهیت نظم بین‌الملل پدید آورده است، اما هنوز نظم بین‌الملل جدیدی جایگزین نظم پیشین نشده است. به نظر می‌رسد چرخش قدرت در نظام بین‌الملل واقعی‌تری تردیدناپذیر و فرایندی توأم با رقابت، تنش و منازعه می‌باشد. اگر مخاطب اصلی این چرخش را قدرت‌های سنتی و قدرت‌های نوظهور تشکیل می‌دهند اما فرایند جاری سایر کنشگران را هم در بر گرفته است. علاوه بر این، حوزه جغرافیایی چرخش قدرت برخلاف تجربیات پیشین نظام بین‌الملل از جهان غرب و حوزه اقیانوس اطلس فراتر رفته و جهان غیرغربی را هم به مخاطب و تا حدودی یکی از مراکز جاذبه آن تبدیل ساخته است. با این همه،

جابه‌جایی قدرت چه در قالب کنشگران و چه در چارچوب حوزه‌های جغرافیایی تنها یکی از مؤلفه‌های این دوران را تشکیل می‌دهد و روابط بین‌الملل امروز در همه ابعاد شاهد تغییر، دگردیسی و گذار است.

از سوی دیگر تجربه‌ها و درس‌های پیشین سیاست جهانی نشانگر این واقعیت است که دوران گذار یعنی انتقال از یک نظم به نظم دیگر به دلیل پویایی، سیال بودن، پیچیدگی و ابهام ذاتی آن از حساس‌ترین، مخاطره‌آمیزترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخی نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. دوران‌های گذار در گذشته اغلب با جنگ‌ها و رقابت‌های نظامی قهرآمیز قدرت‌های بزرگ همراه بوده است. اگرچه در دوره انتقالی جاری، رقابت‌ها با توجه به آثار و پیامدهای درمدمد، اهمیت بیشتری دارد، اما با توجه به تحولات در محیط تعامل جهانی و تغییرات در ماهیت تجارت، توسعه بازیگران، رقابت‌ها در این دوره در اشکال غیر سنتی نیز صورت می‌پذیرد.

نظر به وجود ابهامات و متغیرهای متنوع، انسان خطا در محاسبه و برآورد قدرت خود و دیگران و نیز پیش‌بینی نیت و عکس‌العمل‌های دیگران در این دوره بالا است. در دوران‌های انتقالی گذشته بسیاری از کنشگران در اثر اشتباه در محاسبه جایگاه پایین‌تری در سلسله مراتب قدرت تنزل یافته و حتی در سرایشی زوال و نابودی قرار گرفتند. در سال‌های آغازین دوره انتقالی فعلی نیز بازیگرانی چون دولت‌های قبلی عراق و یوگسلاوی به دلایل عدم شناخت مختصات دوران گذار و مقتضیات زمانه و تلاش غیرواقع بینانه برای بهره‌برداری از شرایط گذار جهت افزایش نفوذ و ارتقای موقعیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی خود به ورطه نابودی کشانده شدند.

شناخت، دریافت و برداشت منطبق بر واقعیت از شرایط جهانی، رفتار سایر کنشگران و ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، عامل حیاتی در شکل دادن به رفتار محاسبه‌شده و منطبق بر منافع کشورها است. قدرت‌های بزرگ، میانه و حتی کوچکی که تصویر صحیحی از شرایط انتقالی داشته

باشند به ارزیابی واقع‌بینانه مزیت‌های نسبی و نیز آسیب‌پذیری‌های خود پرداخته و برنامه‌ریزی هوشمندانه و دوراندیشانه‌ای جهت بهره‌برداری از این شرایط انجام دهند، می‌توانند جایگاه جهانی خود را ارتقا بخشیده و قدرت و نفوذ نویافته خود را نهادینه ساخته و تثبیت کنند. در مقابل، آن دسته از کشورهایی که ارزیابی صحیحی از شرایط انتقالی و توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خود ندارند موقعیت و نفوذ خود را از دست داده و به حاشیه رانده می‌شوند.

اهمیت این دوره و ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری آن سبب شده است تا قدرت‌های بزرگ و میانه سرمایه‌گذاری وسیعی برای شناسایی و تحلیل روندها، مختصات، مشخصه‌ها و چشم‌انداز نظام بین‌الملل، دوره انتقالی و نیز نقش‌آفرینی و اثرگذاری بر این فرایند انجام دهند. توجه به این واقعیت ضروری است که این پژوهش‌ها و نظریه‌ها و توصیه‌های برآمده از آنها صرفاً برای شناخت و تبیین روابط بین‌الملل نبوده، بلکه اقدامی هدفمند برای شکل دادن مفهومی به واقعیات آینده در راستای منافع تدوین‌کنندگان هر یک از این پژوهش‌ها است.

پژوهش‌ها و مطالعات جاری به رغم روایت‌ها و تفسیرهای متفاوتی که ارائه کرده‌اند، نقطه عزیمت و دغدغه مشترکی داشته و کاروان گفتمانی آن‌ها به بر ساختن تصویری متناسب با منافع و دغدغه‌های ژئوپولیتیک و هنجاری قدرت‌ها، حتی معطوف است. به بیان دیگر، روایت‌های مزبور با تصویرپردازی‌های متمایز و جهان‌شمارشناسی مفاهیم و آموزه‌های ادبیات بین‌المللی قوم‌مدارانه به تداوم وضع موجود و مناسبات قدرت در جهان رسانده و نسبتی متفاوت با واقعیت برقرار می‌سازند. این آثار افزون بر شناسایی روندهای جاری به شکل‌دهی و اثرگذاری بر این روندها در جهت حفظ موقعیت کنشگران سنتی معطوف می‌باشند. از این رو، اتکای صرف به نتایج پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های دیگران، بیش از آنکه راهنمای حرکت حساب شده در مسیر تأمین منافع ملی باشد به شکل‌گیری نظم جدید جهانی منطبق و مطابق با دیدگاه‌ها، منافع، نگرانی‌ها و مزیت‌های همان نظریه‌پردازان مدد خواهد رساند. لذا فهم، شناخت و ارزیابی نقادانه مناظره‌ها و نتایج تحلیل‌ها، مطالعات و یافته‌های پژوهشی همراه با

ترسیم و تبیین عالمانه، واقع‌بینانه و خودباورانه روندها در پرتو ارزش‌ها، آرمان‌ها، توانمندی‌ها و منافع بومی گامی مهم برای نقش‌آفرینی اثرگذار در دوران گذار محسوب می‌شود.

در مجموع نظام بین‌الملل در دوره پس از پایان جنگ سرد با تحول شکلی و محتوایی گسترده و عمیقی روبه‌رو بوده است. این تحول به رغم آن که با سنت‌ها و تجربیات گذشته نظام بین‌الملل پیوند ناگسستنی دارد اما تکرار تصویر و یا شرایط گذشته نیست. حال و آینده اگرچه از نظر زمانی استنداد گذشته هستند، اما هریک تصویری متفاوت و متمایز دارند. بی‌اعتنایی به این معادله موجب می‌شود تا برداشت و تصویر ما از نظام بین‌الملل با فهم سنتی گره خورده و به بازتولید ذهنیت گذشته و منافع و مبانی قدرت نهفته در آن مدد رساند. حال آن که نظام بین‌الملل برخلاف جرمیت بدیعی رئالیستی تنها حوزه جبر ساختاری نیست، بلکه شبکه پیچیده‌ای از روندها، پویایی، جان‌ها، کنش‌ها و رقابت‌ها بوده و حوزه امکان تغییر و تحول محسوب می‌شود.

بدون آشنایی با منطق تحول و شناسایی روندهای جاری در سیاست بین‌الملل نمی‌توان به نحوی واقع‌بینانه واقعیت‌های موجود و جایگاه خود، ارزیابی و آگاهی ژرف و همه‌جانبه‌ای از چالش‌ها یافته و از فرصت‌های موجود به نحو مطلوبی بهره‌گیری کرد. از این رو، فهم ماهیت نظام بین‌الملل امروز و چشم‌انداز آینده آن در گرو توجه به این تحول و روندهای جاری است. شناخت ژرف روندها و تحولات نظام بین‌الملل معاصر دو کارکرد اساسی دارد؛ از یک سو، پرتو روشنی بر فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو می‌افکند و از سوی دیگر، زمینه و امکان اثرگذاری و نقش‌آفرینی در شکل‌دهی به روندهای آینده و چشم‌انداز محیط بین‌الملل را فراهم می‌آورد.

در یک چشم‌انداز تاریخی، ایران از دیرباز از مهم‌ترین قدرت‌هایی بوده است که در دوران‌های مختلف تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب خود در عرصه‌های متنوع فرهنگ، تمدن، سیاست و اقتصاد جهانی نقش‌های ماندگار، درخشان و قابل توجهی برعهده داشته است. کشور

ما اما در دوران مدرن و به موازات تغییر بنیادی معادلات حاکم بر مناسبات جهان غربی با جهان غیر غربی به حاشیه تاریخ جهان رانده شده و به موضوع رقابت و میدان قدرت‌نمایی قدرت‌های غربی در نظام بین‌الملل تبدیل شد. در این رهگذر، نسبت و نوع رابطه با نظام بین‌الملل یکی از بارزترین ویژگی‌های سیاست بین‌الملل ایران در چند سده گذشته بوده است. کشور ما در مجموع از شرایط انتقالی نظام بین‌الملل در گذشته به شدت آسیب دیده و در دوره قاجار و به ویژه در پو جنگ‌های ایران و روس و طی جنگ‌های جهانی اول و دوم شاهد از دست رفتن بخشی از ارزش‌ها، قدرت، نفوذ و اثرگذاری بر فلات قاره ایران بوده است.

انقلاب اسلام که در اوج جنگ سرد و حاکمیت نظم دوقطبی بر نظام بین‌الملل به پیروزی رسید، نه‌تنها باعث بازگشت ایران به مدار تاریخ معاصر بود. دوران گذار و نحوه مواجهه کشور ما با فرصت‌ها و چالش‌های آن نیز نقش بارزی در تثبیت موقعیت نوظهور و جایگاه بین‌المللی ایران در مقام قدرت منطقه‌ای، کنشگر جهانی برعهده دارد. به دلیل این که ایران در دوران انتقالی جاری، یکی از موضوعات اصلی و هم‌زمان از کنشگران و قدرت‌های موثر در شکل دادن به نظام بین‌الملل در حال تکوین محسوب می‌شود، لذا در صورت ارزیابی دقیق و ایفای نقش حساب شده می‌تواند قدرت کنشگری خود را افزایش داده و این نفوذ باز یافته را نهادینه و اثرگذار سازد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان از هر دو منبع سنتی و غیرسنتی قدرت بهره‌مند است. برخورداری از ترکیبی از منابع مولفه‌ها و منابع متنوع قدرت در نظام بین‌الملل، کشور ما را به موازات قدرت ژئوپولیتیک و اقتصادی به قدرت معنایی نیز تبدیل ساخته است. توجه به این واقعیت که در دوران گذار علاوه بر منابع سنتی، منابع غیرسنتی قدرت و به ویژه قدرت معنایی، فرهنگی، هنجاری و گفتمان‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار آتی روابط بین‌الملل هم نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، می‌تواند جایگاه جمهوری اسلامی ایران را برجسته‌تر سازد.